

زنان موفق کشور ما

«سنت‌مان هم چنگی به دل نمی‌زند»

«زن ایرانی؛ از سنت تا مدرنیته»

از «مادر ترزا» نام می‌برد، به عنوان یک زن نمونه و موفق و فعالیت‌های خیریه او را برمی‌شمرد و نام چند زن دیگر را ردیف می‌کند و در انتها می‌پرسد: «Who are women whose lives made a difference in your country?» و با همین یک پرسش، تمام تاریخ زن ایرانی را زیر سؤال می‌برد.

اولین بار نیست که از گذشته خود به عنوان زن ایرانی پرسش می‌کنم، گوگل را هم می‌کاوم، در جواب سرچ «زنان موفق ایرانی» همان چیزی را می‌بینم که او دیده است و برنرفته؛ پس زن موفق ایرانی کجاست؟!

امروز اگر در نوشته‌هایمان به «مدرنیته» می‌تازیم و نگرش‌های افراطی «فمینیستی» را نکوهش می‌کنیم، اگر داد بی‌دادی برمی‌کشیم و از آن‌چه بر زن مسلمان می‌رود، در تغییر هویت زنانه‌ی او و تبدیل شدنش به ابزاری برای منافع بیشتر سرمایه‌داران، شرکت‌داران و ملاکان اجتماعی، می‌نالیم، اما به گذشته نیز نمی‌توانیم انتقاد نکنیم.

وقتی به گذشته زن ایرانی می‌نگرم، در هزارتوی تاریخ ظالمانه ستمگران و شاهان، دربارهای مملو از ددمنشی و زراندوزی، در عمق ظلمی نهادینه شده، زن را «ضعیفه» می‌بینم و فرهنگی منحط که «موفقیت» را بد تعریف کرده است، خیلی بد. خودمانی‌اش: «سنت‌مان هم چنگی به دل نمی‌زند».

نگرش خفت‌باری که زورمندان و سلطه‌طلبان گذشته به زن داشتند، تفاوتی با نگاه سرمایه‌محور امروز غرب، در اصل استثمارگری ندارد. امروزه اگر زن را نیرویی پُرکار می‌خواهند و کم‌اعتراض، که چرخ‌های تولید را بگرداند، در گذشته‌ای نه چندان دور نیز، او را ابزاری می‌خواستند برای دستیابی به مقاصد ثروت‌اندوزی و تَبَرُّج و خودنمایی. گاهی هم برای قربانی کردن رقبا و نفوذ در تصمیم‌گیری‌ها.

تاریخ کم ندارد از زنانی که برای دست به دست کردن قدرت و تغییر جایگاه سلطه، حتی از رأفت و محبت خدادادی، فطری و ذاتی زنانه گذشتند و خونریزی‌های بزرگی پدید آوردند (۱). اگر چه امروز هم از این پدیده‌ها روی می‌دهد. (۲)

تمامی فشارهای تاریخی ستم‌پیشگان بر گُرده زن، فرهنگی مخفی و پنهان در زنان، علی‌الخصوص زنان دوران قاجار، پدید آورد که تا امروز همچنان باقی مانده است؛ درونگرایی زنان و تولید جامعه‌ای در سایه که سنت‌های آن را خصوصاً در مراسمات مرتبط با ازدواج، از همسریابی و خواستگاری گرفته، تا مقدمات و مؤخرات برگزاری مراسم عروسی، می‌توان مشاهده کرد. حسادت‌هایی زنانه که از ریختن زرنیخ در کاسه حنای هوو در حرمسراهای جائران برای کسب مقام «سوگلی»، آئین‌هایی مقدس برای نگهداری کیسه حنا تشریع می‌کرد! (۳) این فرهنگ حتی در تلاقی با باورهای اسلامی، نوع خاصی از سنت دینی را پایه‌گذاری نمود. آن‌چه از مجالس روضه زنانه می‌بینیم و آجیل مشکل‌گشا و ختم انعام و بسیاری رفتارهای مرسوم که برخی از آن‌ها ریشه و عمق دینی ندارند و آلوده به خرافات شده‌اند.

اگر چه در گذشته این سرزمین، زنان موفق‌ی یافت می‌شوند که تأثیرگذار بوده و مدارج تعالی را طی کرده‌اند (۴)، اما تعریف نادرستی که از موفقیت زنان بر سر زبان‌ها بوده و هست، همچنان آنان را در گمنامی و فراموشی پنهان نگهداشته و جستجوی «زنان موفق ایرانی» در گوگل را با مشکلی جدی مواجه ساخته است!

در این دوران که زنان هویت اسلامی خود را بازمی‌طلبند و برای دستیابی به جایگاه الهی خود، منزلتی که خداوند در آفرینش برای‌شان قرار داده، تلاش می‌کنند، ما به شدت محتاج بازتعریف الگوی زن مسلمان هستیم، الگویی که نه به مدرنیته و پُست آن متصل شود و نه به گذشته ضعیف زن ایرانی بچسبد.

یک اسلام شناس برجسته می‌گوید: «اسلام در مورد حقوق خانوادگی زن و مرد فلسفه خاصی دارد که با آنچه در چهارده قرن پیش می‌گذشته و با آنچه در جهان امروز می‌گذرد مغایرت دارد» (۵). زن مسلمان را همان‌طور که نباید در فضای مسموم امروز تعریف کرد، در گذشته تاریک تاریخ نیز نمی‌توان جستجو نمود.

(۱) به عنوان مثال: فاجعه قتل امیرکبیر یا قتل عام ایرانیان به دستور استر و مردخای

(۲) تاریخ فراموش نخواهد کرد در زمانی که وزیر جنگ اسرائیل یک زن بود (زیبی لیونی)، محاصره شدید آب و غذا برای مردم بی‌گناه غزه تدارک کرد و عملیات «سرب گداخته» را رهبری نمود!

(۳) جایگاه زن در دوران قاجار آن‌چنان تنزل یافته بود که زنان حرمسرا برای رقابت با یکدیگر از بسیاری نادرستی‌ها دریغ نمی‌کردند. گفته شده در کیسه حنا زرنیخ می‌ریختند و گیسوان سوگلی پس از حنا گذاشتن تماماً می‌ریخت و کچل می‌شد. به این ترتیب جای خود را به دیگری می‌داد! ر.ک. کتاب طنز انتقادی «کلثوم ننه» (عقائد النساء) اثر آقاجمال خوانساری

(۴) مانند: بانو مجتهده امین (۱۲۶۶ هـ ش) صاحب تفسیر پانزده جلدی «مخزن العرفان»

(۵) شهید مطهری (ره)، نظام حقوق زن در اسلام

